

## چرا حاکمان مسلمان جامه ننگین بر تن کرده‌اند؟!



پیامبر اسلام می‌فرماید: ترجمه؛ «دو گروه از مردم هستند که اگر صالح باشند تمام مردم نیز صالح خواهند بود و اگر فاسد شوند همه مردم فاسد می‌شوند: آن‌ها علما و حاکمان هستند.» (ابو نعیم فی الحلیة)

جهان اسلام در ذلت‌بارترین عصر خود بسر می‌برد تا جایی که قبرها از دهکده‌ها بیشتر شده‌اند. در این سرزمین‌ها مردم با شمشیر دست ساخته خود کشته نمی‌شوند؛ بلکه همه با اسلحه‌ای پیشرفته و مواد کیمیای خطرناک به گونه دسته جمعی قتل عام می‌گردند که غرب و روسیه یکجا با دست‌نشانندگان سفاک خود حتا بر اطفال، زنان و پیرمردان رحم نمی‌کنند. آیا می‌شود پرسید که این همه جنگ و کشتار برای چیست، و چرا صف جنگ از مدیترانه و اقیانوس آرام عبور نمی‌کند؟

لیبیا در جنوب مدیترانه از عصر استعمار تاکنون هیچ‌گاه روز خوش را ندیده‌است تا این‌که مردم چند سال قبل حاکم مستبد که چهل سال بالای شان حاکمیت داشت را با انقلاب یک‌سره نابود نمودند. با این همه، در حال حاضر رقابت میان امریکا و اروپا به ویژه انگلستان این سرزمین را به قبرستان سوخته مبدل کرده‌است.

مردم یمن در جنگ منطقه‌ای ایران و سعودی و نیز تمویل امریکا و انگلیس، سلاخی می‌شوند. فلسطینیان بی دفاع نزدیک به یک قرن است که توسط نیروهای تا به دندان مسلح یهود هر روزه کشته و یاهم زندانی می‌گردند. عراق به سرزمین خاکستر مبدل شده‌است. در افغانستان وضعیت به عین شکل به پیش می‌رود، ولی نحوه دخالت و بهانه‌ی کشتار متفاوت است.

در این میان هیچ‌گاه جهان نمی‌تواند گورهای دسته جمعی مسلمانان روهنگیا را از خاطر دور سازد، و یاهم کشتار بی رحمانه‌ای نیروهای بشار اسد و طیارات جنگی روسیه را از حافظه بیرون کند، جنایاتی که هر روز سر خط خبرهاست؛ تا جایی که سرمنشی سازمان ملل کشتار مردم بی‌گناه "غوطة شرقی" سوریه را «جهنم روی زمین» عنوان نموده‌است.

اگر به ماهیت این همه جنگ، کشتار و ویرانی نگریسته شود همه در جغرافیایی مسلمانان اتفاق می‌افتد، جغرافیایی که از دیر زمان تاکنون نقطه وصل قاره‌ها و قدرت‌های جهانیست. اهمیت این جغرافیا طوریکه راه‌های بحری و هوایی آن از آسیا به آفریقا و از آنجا به اروپا و آمریکا وصل می‌شود. این مسئله از این جهت با اهمیت است که در جهان کنونی باوجود این‌که راه‌های هوایی انکشاف یافته است با آنهم بیش از 90 درصد اموال تجارتنی جهان از طریق بحر انتقال می‌یابد، تا جایی که 65 درصد از نفت جهان از مسیر خاورمیانه و توسط کشتی‌ها وارد بازار غرب می‌گردد.

آیا یگانه عامل این همه جنگ، ناامنی و کشتار دسته جمعی ملت‌ها به ویژه مسلمانان همین مسئله است که غرب و روسیه در تلاش اند تا از یکدیگر پیشی گیرند؟

شاید این‌ها بخشی از این عوامل باشند، چنان‌که ایالات متحده آمریکا با حمایتش از اشغال یهود(اسرائیل) در دلِ خاور میانه تنها مسئله حمایت از یهود در برابر مسلمانان نیست، بلکه آمریکا با حمایتش از یهود و مسلح ساختن آن با سلاح‌های هسته‌ای و کیمیاوی، همواره تلاش نموده است تا حاکمان 22 کشور عربی را-به نمایندگی از 300 ملیون عرب-در جایش‌شان بنشانند، مبنی بر این‌که آن‌ها در برابر 4 ملیون یهود چیزی کرده نمی‌توانند و در برابر آمریکا چه می‌توانند انجام دهند!

اما عامل عمده آن را می‌توان در جلوگیری از بیداری و وحدت مسلمانان جستجو کرد، زیرا اندیشکده‌های غرب پی برده‌اند که هیچ نظم در جهان نمی‌تواند ایدیولوژی سرمایه‌داری را به چالش بکشد، مگر اسلام. آمریکا با این پیشگیری و آسودگی خاطر، چین و روسیه را حتا خطرناک‌تر از تروریزم تلقی نموده و آن را در استراتژی‌اش گنجانیده است.

خطرناکی روسیه شاید در توان نظامی به ویژه توان هسته‌ای آن کشور باشد، اما از نظر اقتصادی در وضعیت خوبی قرار ندارد. اما چین از لحاظ نظامی و اقتصادی پس از آمریکا قرار دارد که می‌تواند برای آمریکا تهدید بزرگ منطقه‌یی و حتا جهانی تلقی گردد، اما از نظر تسلط جهانی هیچ‌گاه نمی‌تواند جانشین آمریکا شود. با این همه چگونه صفِ جنگ، کشتار و سلاخی مسلمانان از مدیترانه و اقیانوس آرام به جانب اروپا و غرب کشانیده شود؟

هیچ نفرتی برای من و حتا مردمانِ گیرافتاده در این جغرافیا بدتر از نفرتِ حاکمان مسلمان و بعد سازمان ملل نخواهد بود که از آن‌ها تا ابد بیزاری جویم، زیرا این حاکمان مسلمان هستند که دست‌های خون آشام غرب و نیز چپاول سرمایه‌های مسلمانان را سرپوش گذاشته هر تجاوز، قتل و تباهی را با سازمان ملل-و این دست ساخته‌ غرب-توجیه می‌نمایند؛ سازمانی که گویی بر زخم‌های تازه مسلمانان تیزآب می‌پاشد. پس نفرین بر نظم، عدالت، دموکراسی و قوانین بشری که با آن حاکمان ما جامه‌ ننگین بر تن کرده‌اند.